

چارلز داروین

درچنین روزی در سال 1809 میلادی چارلز داروین متولد شد . داروین زیست شناس برجسته ی انگلیسی در دوازده سالگی برای فراگیری علوم پزشکی به ادینبورگ رفت اما به دلیل اینکه به پزشکی علاقه ای نداشت به سمت علوم مذهبی روی آورد . او در این زمینه نیز موفقیتی به دست نیآورد و سرانجام به سوی اکتشاف کشیده شد و به همراه یک هیات طبیعی دان به جزایر اقیانوس آرام رفت . او در این حوزه به تحقیق پرداخت و رساله ی خود را با نام «اصل انواع» مطرح ساخت .

او در اصل انواع با انجام یک بحث مفصل ریشه های انسانی را برگرفته از نسل میمون ذکر میکند . فلسفه ی او تا حدود زیادی پیچیده است و حتی در سالهای اخیر اندیشه ی او به چالش کشیده شده است . بنیاد انواع ، انسان و پیدایش انسان از دیگر آثار اویند .

داروین معتقد است که در میان موجودات اعم از حیوانات وانسان و ... هر موجودی که توانایی سازگاری نداشته باشد از چرخه ی طبیعت خارج میگردد . مثلاً انسانها در هنگام سرما برای سازگاری نیاز داشتند که بدنشان مو

در آورد. به طور کلی ، محیط از میان اعضای گوناگون یک جمعیت ، به نفع جاندارانی که بهتر سازگاری پیدا کرده اند دست به انتخاب میزند، که به آن « نظریه ی انتخاب طبیعی داروین » گفته میشود . داروین باور داشت که با ارتقای انسان به سطح فکری و اجتماعی لازم ، یعنی ایجاد موقعیتی مناسب در محیط ، که با استفاده از ابزار ، لباس ، آتش و غیره میسر شد ، انتخاب طبیعی در جهت اصلاح ساختمان بدن متوقف گردید. یعنی دیگر انسان نیازی نداشت تا در موقع لزوم سازگاری پیدا کند . مثلاً وقتی سردش میشد دیگر نیازی نبود بدنش با طبیعت سازگار شود بلکه لباس گرم میپوشید تا سردش نشود . زیرا انسان توانست از ذهنش استفاده کند . دیگر در اینجا برتری جسمی و سازگاری اهمیت نداشت بلکه برای بقا برتری فکر و تعاون اجتماعی ارزشمند شد .

داروین استدلال میکند که مردم ستیزه جو ، خودپسند و فاقد روحیه ی تعاون و همکاری که با کمبود ابزار وحدت مواجهند در معرض نابودی هستند زیرا پدیده های بالا جزو ضرورت های اجتماعی هستند . همچنین افرادی که از تعاون بیشتری برخوردارند ، جایگزین کسانی میشوند که از تعاون کمتری برخوردارند . بطور کلی ، پیشرفت در جوامع بشری به افزایش جمعیت فکور و

مستعد و اخلاقی با معیارهای متعالی بستگی دارد. یعنی هر چه افراد یک جامعه فکورتر باشند پیشرفت در جامعه سریعتر و بیشتر است و هر چه افراد فکور جامعه کمتر باشند نه تنها ممکن است جامعه پیشرفت نکند بلکه حتی ممکن است سیر نزولی نیز داشته باشد.

داروین در تحقیقات و پژوهش‌های بسیار گسترده‌ی خود که تقریباً در طی یک سفر طولانی چند ساله با یک کشتی کاوشگری به دور دنیا انجام شد به طور ساده و مختصر حداقل به دو دستاورد بسیار مهم در مورد جانوران رسید:

1- نیاز مشترک: اینکه تمام جانداران در انتهای پیگیری نسل و نیای آنها به یک نوع اصلی می‌رسند.

2- انتخاب طبیعی: انتخاب طبیعی خود بر پایه‌ی استوار بود که از پژوهشها در مورد جانداران بدست آمده بود، مانند:

1-2) جاندارن پیچیده اند

2-2) جانداران متنوعند: هزاران گونه مختلف از جانداران شناسایی شده اند که گاه به گاه این لیست کامل تر نیز میشود در حالی که در بی جانان این خصیصه بدین گونه یافت نمیشود.

2-3) سازش جانداران با محیط : جانداران با طرز عجیبی با دنیای اطراف خود سازش میکنند و خود را وفق میدهند تا امکان ادامه ی بقاء را داشته باشند .
نتایج ذکر شده خود براساس شواهد و تجربیات است که از طبیعت بدست آمده
مانند:

- 1) جانداران زیادتر از آنچه که باید تولید مثل میکنند .
- 2) اما آنگونه که باید گسترش یابند زیاد نمیشوند (تقریباً دریک تعادل نسبی میمانند).
- 3) متنوعند.

4) تناسبی خاص با محیط خوددارند :

این تناسب خود شامل دوری تسلسلی از سؤال و جواب است ، بدینگونه که :
سؤال : جانداران چرا متناسبند ؟ جواب : زیرا بیشتر مانده اند .

سؤال : چرا بیشتر مانده اند ؟ جواب : چون متناسبند .

خلاصه اینکه : تنازع بقاء بعلاوه وراثت (اینکه خصوصیات والدین به فرزندان انتقال می یابد) باعث ودلیل وجود این گونه از حیات (از میان بی نهایت گونه و شرایط ممکن) شده است .

